

# بررسی کنش تطابقی جوانان با محیط سیاسی - اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه موردی استان ایلام

دکتر محمد عبداللہی\*

ابراهیم میرزایی\*\*

## چکیده

در حال گذار بودن جامعه ایران بین سنت و مدرنیته، عدم هماهنگی و گسست بین وسایل اجتماعی و اهداف ارزشی جامعه، تعارض بین نظامات ارزشی و هنجاری افراد جامعه، ناتوانی افراد در انتخاب کنش تطابقی مناسب، شناخت وضعیت موجود شیوه‌های تطابق، ترسیم دورنمای آن و امکان گذار از وضعیت موجود به مطلوب را ضروری می‌سازد. در این نوشتار جهت بررسی سنخ‌شناسی تطابق اجتماعی از روش‌های چند بعدی استفاده شده است. جامعه آماری افراد ۱۶ تا ۳۵ ساله در استان ایلام، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، حجم نمونه ۳۸۰ نفر، نوع تحقیق پیمایشی و تکنیک عمده گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده است. نوع غالب تطابق اجتماعی در بین جوانان نوآوری می‌باشد. نمره اهداف از وسایل بیشتر می‌باشند. افراد ساکن در روستا نسبت به شهری‌ها هم‌نوا تر و افراد با میزان اعتماد بیشتر هم‌نوا تر می‌باشند. با توجه به غالب بودن نوع تطابق نوآوری، یعنی ترجیح دادن اهداف ارزشی و آرمانی نسبت به مکانیسم‌های اجتماعی دستیابی به اهداف از سوی افراد، هماهنگی بین اجزای ساختاری جامعه، تهیه و ارایه وسایل هنجاری مناسب با ارزش‌ها، تقویت نهادهای مدنی، ایجاد فرصت‌های باز تحرک اجتماعی و بهبودبخشی به اعتماد اجتماعی ضروری است.

## واژگان کلیدی

تطابق، ساختار فرهنگی، ساختار اجتماعی، هم‌نوایی، ناهم‌نوایی

\* دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی Email: Abdollahi120@Gmail.com

\*\* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی و مدرس دانشگاه پیام نور - اهواز

Email:Mahdicsr@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۸۸/۰۵/۱۷

تاریخ ارسال: ۸۸/۰۳/۳۱

فصلنامه راهبرد / سال هجدهم / شماره ۵۳ / زمستان ۱۳۸۸ / صص ۹۹-۱۲۷

## ۱- مقدمه (طرح مسئله، ضرورت و اهداف)

هر نوع نظام اجتماعی به‌طور کلی متشکل از اجزایی ساختاری مرتبط با هم می‌باشد. یکی از این اجزاء، ساختار فرهنگ، یعنی حوزه، تفکر گفتگو و تولید اندیشه و بعد نمادین حیات اجتماعی است که اهداف ارزشی را به افراد جامعه معرفی می‌کند، دیگری ساختار اجتماعی یا حوزه تعاملات است که واسطه بین الگوهای نهادی فرهنگی و رفتار ناشی از انتخاب‌ها هستند و به صورت روابط متقابل اجتماعی الگویافته در بین مردم تجلی می‌یابد. در حالی که ساختار فرهنگی تعیین‌کننده اهداف می‌باشد، ساختار اجتماعی وسایل و هنجارها را برای ساخت و به اجرا درآوردن انتخاب‌های افراد فراهم می‌کند.

مرتن معتقد است که اگر این دو عنصر ساختاری هماهنگ با هم عمل کنند، هم‌نواپی و نظم اجتماعی به‌عنوان الگوی غالب تطابق افراد تحقق می‌پذیرد، ولی اگر در ایفای کارکرد این دو عنصر ناهماهنگی پدید آید، الگوهای ناهم‌نواپانه‌ای از تطابق شکل می‌گیرد که انواع آنها تابعی از رابطه و نوع هماهنگی بین این دو عنصر اساسی نظام اجتماعی یعنی فرهنگ و اجتماع است.

به‌طوری‌که اگر فرهنگ در معرفی اهداف موفق نشود و از اجتماع عقب‌تر بیفتد مناسب‌گرایی و سنت‌گرایی عمده و کنش غالب افراد می‌شود و اگر اجتماع به کارکرد خود خوب عمل نکند و از فرهنگ عقب بماند، بدعت و نوآوری و هنجار شکنی عمده می‌شود و در صورتی که هر دو عنصر به کارکرد خود خوب عمل نکنند، واپس‌گرایی و عدم پذیرش اهداف و راه‌های نیل به اهداف و یا شورش و طغیان علیه اهداف و وسایل موجود و تلاش برای دستیابی به اهداف و وسایل جایگزین عمده و کنش غالب افراد برای تطابق می‌شود (عبداللهی به نقل از مرتن، ۱۳۸۱، ص ۸۲). پس به نظر مرتن محیط یا شرایط اجتماعی، شکل‌دهنده و هدایت‌کننده انتخاب افراد می‌باشد و الگوهای سازگاری یا تطابقی که افراد بر می‌گزینند، تابعی از وضعیت و شرایط ساختاری جامعه می‌باشد که بر حسب موقعیت افراد در نظام قشریندی جامعه تفاوت پیدا می‌کند. معمولاً در جوامع سنتی افراد از طریق خانواده و گروه‌های نخستین با اهداف و راه‌های نیل به آنها آشنا می‌شوند و در این جوامع اجزای ساختاری جامعه با هم در ارتباط متقابل و تعادل‌آمیز بوده که اهداف و نقش و انتظارات افراد مشخص و معین می‌باشد. مثلاً جامعه

ساده و تفکیک‌نشده قبیله‌ای، ساختار همبستگی مکانیکی را می‌سازد که در آن سطح بالایی از وفاق و وجدان جمعی وجود دارد و در نتیجه، نیروی الزام‌آور شدیدی بر اعمال، افکار و احساسات اعضای خود عمل می‌کند. در چنین جامعه‌ای فرد کاملاً در ذهن جامعه جذب و هضم می‌شود. همه اعضا شبیه همدیگرند- هویت فردی وجود ندارد- و مناسبات اجتماعی آنان را می‌توان به وسیله مظاهر مشترک میان ایشان اداره کرد. در این وضعیت، مشخصه کنش اجتماعی و فردی، همنوایی، ایثار و تقدیر مسلکی است. بر این اساس، گسست قابل توجهی بین اهداف ارزشی و وسایل هنجاری و انتظارات افراد وجود ندارد. به تعبیر گیدنز در اکثر وضعیت‌های پیشامدرن شیوه نسبتاً پایداری برای سازماندهی رشته‌های روابط اجتماعی در طول زمان و مکان فراهم می‌کند و عموماً پیوندهایی هست که برای ساخت دادن به کنش‌ها در عرصه‌های زمانی و مکانی می‌توان به آنها تکیه کرد. در جوامع مدرن با وجود جابه‌جایی در مکانیسم‌های پیوستگی بین اهداف و وسایل نیز نقش و انتظارات افراد مشخص و هماهنگ بوده و افراد جامعه به آسانی قادر به انتخاب و گزینش الگوی رفتاری و تطابقی خود

می‌باشند. به دنبال آن افراد تا حد زیادی از همدیگر تفکیک شده‌اند، هرکس از الگوی فعالیت خاصی پیروی می‌کند. در مظاهر جمعی که ذخیره اجتماعی آراء و افکار است، تنوع بیشتری وجود دارد. و بالتبع، مجال فراخ‌تری هم برای انتخاب کنش فردی وجود دارد. هرکس آن دسته از مظاهر جمعی را به کار می‌گیرد که بین او و دیگران از لحاظ ایفای وظایف مشابه، مشترک است، اما با سایر اعضای جامعه اشتراکی ندارد. در این وضعیت، مشخصه کنش اجتماعی، وجود سطح بالایی از فردیت نهادی شده است، اما در وضعیت بینابین یا در حال گذار از سنت به مدرنیته به علت اینکه جوامع در اجزای ساختاری خود دچار ناهماهنگی و عدم تعادل‌هایی می‌باشند، افراد بین سنت و مدرنیته سرگردان‌اند و ناتوان از انتخاب الگوی تطابق مناسب می‌باشند. به طوری که ساختار کلی جامعه دچار آنومی<sup>۱</sup> است و از ارائه اهداف ارزشی و وسایل هنجاری لازم به افراد جامعه ناتوان است و در نتیجه افراد دچار وضعیت آنومی می‌شوند و در تشخیص اهداف و راه‌های نیل به اهداف دچار تعارض و ناتوانی می‌شوند و به الگوهای ناهمنوایانه‌ای روی می‌آورند. این ناهماهنگی و نامشخصی

الگوهای تطابقی (کنشی) افراد هم به نوبه خود به گسترش ناهماهنگی اجزای ساختاری جامعه منجر می‌شود.

جامعه در حال گذار و متحول ایران امروزی، به علت شرایطی چون ورود و حضور عناصری خاص از نهادها و صورت‌های اجتماعی مدرن مثل آموزش و پرورش، ارتباطات، دموکراسی، ارزش‌های مدرن و... از طرف دیگر حضور قدرتمند و فعال عناصری از سنت چون خانواده، روابط عمودی خویشاوندی و قومی، اجتماع محلی، دین،

خاص‌گرایی، و... شاهد حالتی دوگانه و ناهماهنگی‌هایی بین اهداف ارزشی و وسایل هنجاری می‌باشد، و دچار تعارض سنت و مدرنیته گردیده است. در اثر این ناهماهنگی بین اجزای ساختاری تشکیل‌دهنده جامعه، کنش‌ها و الگوهای تطابقی افراد حالتی نامعین و نامشخص به خود گرفته است که صورتی از ناهنجاری می‌باشد و به دنبال آن افراد قادر به دستیابی موفقیت‌آمیز به اهداف ارزشی و وسایل هنجاری و نقش و انتظارات خود نمی‌باشند. در این میان، گروه سنی جوانان به دلیل داشتن وضعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و روانشناسی خاص، نمود بیشتری در ارتباط با ناهماهنگی اجزای ساختاری جامعه ناهمونوا به نمایش گذاشته و شکاف

این اجزای ساختاری در بین آنان به تعبیر مرتن می‌تواند حالتی از مسئله اجتماعی به‌خود بگیرد. از جمله دلایلی که تقویت‌کننده مسئله اجتماعی بودن موضوع را توجیه می‌کند، می‌توان به نظرات صاحب‌نظران داخلی و خارجی در ارتباط با مسایل اجتماعی و وجود آمارها و شواهد تجربی در ارتباط با انحرافات چون دزدی، قتل، اعتیاد، قانون‌شکنی، و... در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اشاره کرد.

این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که در بین جوانان چه شیوه‌هایی از تطابق رواج دارد و چرا؟ به عبارت دیگر انواع یا شیوه‌های تطابق و الگوهای رفتاری که متغیر وابسته تحقیق نیز می‌باشد، در بین گروه و جمعیت مورد مطالعه (جوانان) چگونه می‌باشد؟ یعنی واکنش و شیوه‌های کنش تطابقی افراد (جوانان) نسبت به شرایط ساختاری جامعه چه نوعی می‌باشد و متأثر از چه عواملی است؟

## ۱-۱- ضرورت موضوع

هر جامعه‌ای به روش‌هایی برای تنظیم بین وسایل، مکانیسم‌های دستیابی و آرمان‌ها و هدف‌های مشترک خویش نیاز دارد و نظام هنجاربخش همین کارکرد را به عهده دارد و

به‌طور کلی وجود این بی‌تعدالی‌ها و تعارضات ساختاری خود موجد نامشخصی و نامعینی در الگوهای تطابقی و رفتاری افراد شده و سپس جریان این گونه‌کنش‌ها در جامعه به گسترش و افزایش نابسامانی کمک می‌کند. بر این اساس تأمین و وجود نظم همیشه از دغدغه‌های افراد انسانی به‌طور عام و اندیشمندان به‌طور اخص بوده است، چرا که ایجاد، پیشرفت و هرگونه تغییر در جهت مثبت منوط به برقراری نظم بوده و از ضروریات‌های اجتماعات بشری بوده و خواهد بود.

#### ۱-۲- اهداف تحقیق

الف) توصیف ویژگی‌های جمعیت، گروه‌ها، یا پدیده‌ها که در اینجا مراد تیپولوژی جوانان برحسب الگوهای سازگاری و انطباق و توصیف ویژگی‌های فردی و اجتماعی هر دسته از آنان می‌باشد.

ب) تحلیل (تبیین) عوامل مؤثر بر انتخاب نوع الگوی تطابق انتخابی توسط جوانان.

ج) و در نهایت ارائه راهبردهایی در جهت هدایت جوانان با استفاده از مشخص شدن نوع انطباق غالب و عوامل مؤثر، در جهت راهنمایی آنان برای انتخاب الگوهای

بدون تنظیم هنجاربخش وسایل و اهداف، جامعه دچار هرج و مرج، بی‌هنجاری و بی‌تفاوتی می‌شود. بر این اساس از آنجایی‌که ناهماهنگی و عدم تعادل در اجزای ساختاری جامعه منجر به اختلالات کارکردی در تمام سطوح، اعم از خرد، میانه و کلان جامعه می‌شود، لذا مطالعه کردن و پرداختن به این ناهماهنگی و اختلالات ضرورتی دو چندان می‌طلبد. عدم تعادل و وجود ناهماهنگی در اجزای ساختاری تشکیل‌دهنده جامعه ایران به صورت مختلف از سوی اندیشمندان، نخبگان دانشگاهی و سیاسی چه در داخل و چه در خارج بارها اشاره شده و مورد توجه بوده است.

چنانچه ذکر رفت، این ناهماهنگی ساختاری اجزای جامعه در سطح خرد به تهدید روط انسانی و سرمایه‌های انسانی، بی‌اعتمادی در بین افراد، بی‌هویتی،... و در سطح میانه به اختلال در کارکرد نهادهایی همچون خانواده، سازمان‌ها محلی،... و در سطح کلان به ایجاد مشکل در پیشبرد فرآیندهای کلان چون توسعه ملی، بی‌اعتمادی به نهادهایی همچون سیاست، خروج و مهاجرت نخبگان به‌عنوان سرمایه‌های ملی و رواج و گسترش آسیب‌های اجتماعی در سطح جامعه می‌گردد.

سازگاری یا تطابق مناسب‌تر در شرایط امروزی جامعه ایران می‌باشد.

## ۲- انطباق و انواع آن

انطباق یا سازگاری به لحاظ تاریخ هستی اجتماعی ابتدا در مورد تحولات و تغییراتی که افراد به‌عنوان کنشگران با محیط (طبیعی) خود انجام می‌دادند، به‌کار می‌رفت، یعنی چگونگی برخورد و واکنش با محیط و سپردن زندگی به‌دست سرنوشت و تقدیر. اما به موازات تحول و تکامل انسان، کنترل آشکار دنیاهای طبیعی و اجتماعی به‌دست آدمیان و اجتماعی شدن طبیعت<sup>۲</sup>، دیگر صرفاً رابطه انسان با طبیعت مطرح نشد، بلکه رابطه انسان با انسان، ارزش‌ها، هنجارها در جهت بسط و تکامل پدیده تطابق مطرح و سازگاری اجتماعی برای انسان مهم شد، و می‌بایست انسان خود را با فرهنگ، اجتماع، و... سازگار نماید. و همچنین انسان به‌طرز ناخودآگاه و تاریخی پی‌برد که به‌واسطه سازگاری اجتماعی به راحتی می‌تواند بر مشکلات سازگاری طبیعی و یا اجتماعی فایق آید. در ادبیات انسانی و اجتماعی معمولاً از دو نوع سازگاری یا انطباق به‌صورت سازگاری انسان با خویشتن و تمنیات درونی (روانشناسی) و سازگاری با محیط انسانی

پیرامون (اجتماعی) نام‌برده می‌شود. که در اینجا به‌صورت تلخیص به آنها اشاره می‌شود.

### ۲-۱- سازگاری روانی

در متون روانشناسی انطباق به‌عنوان کنشی خرد، فرآیندی بیش و کم آگاهانه است که به‌واسطه آن انسان از طریق مشخصه‌های زیستی - ارگانیستی و روانی خود با محیط درونی و بیرونی سازگاری می‌یابد. در این رویکرد، تمام هستی اجتماعی چیزی جز مجموعه‌ای از فعالیت افراد نیست، و باید مفاهیم، نظامات و نهادهای اجتماعی را بر اساس مشخصه‌های درونی مجموعه‌ای افراد که در آن دخیل‌اند، تعریف کرد. هر موجودی برای حفظ جان خود و تأمین نیازهایش تلاش می‌کند تا با محیطی که در آن زندگی می‌کند، سازگار و انطباق یابد. و این تلاش در انسان جریان‌ی پویا و بدون گسست است، چون نیازهای او متنوع و درحال دگرگونی هستند و هم شرایط و اوضاع و احوال محیطی که در آن نیازهای مزبور می‌بایستی برآورده گردند، در حال تغییر و دگرگونی است. (والی پور، ۱۳۸۵؛ رضادوست، ۱۳۷۳).

### ۲-۲- سازگاری اجتماعی

این نوع تطابق که مد نظر مطالعه حاضر می‌باشد، متعلق به رویکرد جامعه‌شناختی

جامعه، تمایز اجتماعی از طریق پیدایش خرده نظام‌های جدید افزایش و شدت می‌یابد. بر اثر این فرآیند تکاملی، جامعه نه تنها باید تمایز یافته‌تر از مراحل پیشین شود، بلکه خرده نظام‌هایی که از رهگذر این تمایز پدید می‌آیند، باید تخصیص یافته‌تر و تطبیق پذیرتر از خرده نظام‌های پیشین شوند و گنجایش تطبیقی آنها برای انجام دادن کارکرد اصلی‌شان افزایش یابد. به عبارت دیگر، یک جامعه تکامل یافته‌تر عموماً می‌تواند از عهده مسایل و دشواری‌های اجتماعی‌اش در زمینه تطبیق با محیط برآید. خلاصه اینکه در این رویکرد منظور از "تطابق (سازگاری)" سازش منفعلانه با شرایط محیطی نیست، بلکه بیشتر توانایی سیستم زنده یا نظام اجتماعی برای دست و پنجه نرم کردن با محیط خود است. این توانایی شامل دل‌بستگی فعالانه به تفوق یا توانایی برای تغییر محیط به منظور رفع نیازهای سیستم و همچنین توانایی برای بقاء با ویژگی‌های غیر قابل تغییر محیط است (پارسونز، ۱۹۶۴، ص ۳۴۰).

### ۳- مبانی نظری و تجربی در ارتباط با موضوع

در ارتباط با کنش تطابق‌پذیری از نظریات صاحب‌نظرانی چون رابرت مرتن، جرج

در سطوح میانه و کلان است، تطابق اجتماعی را به‌عنوان فرآیندی پیچیده، ترکیبی و مؤلفی می‌داند، که به‌واسطه آن نظامات اجتماعی و تنظیمات ساختاری و تعاملاتی افراد جامعه هماهنگ می‌یابد. جامعه‌شناسان فرآیند انطباق اجتماعی را با عواملی چون جامعه‌پذیری و تعادل ساختاری اجزاء جامعه مرتبط می‌دانند. به‌عنوان مثال رابرت مرتن ضمن بسط و گسترش مفهومی تطابق و شیوه‌های آن، آن را در ارتباط با چگونگی رابطه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی مطرح کرده و به نظر وی چگونگی شیوه‌های تطابق به هماهنگی یا عدم هماهنگی اجزای ساختاری جامعه بستگی دارد. هربرت اسپنسر و نیل اسملسر تطابق را در راستای تفکیک و تمایز و پیچیدگی اجزای ساختاری جامعه می‌دانند که به‌واسطه این فرآیندها و طی کردن مراحلی چون از سادگی به پیچیدگی، عام‌گرایی ارزشی و اخلاقی، تنوع و تکثیر جامعه به اجزای ساختاری و ارتباط ارگانیکی توأمان آنها با هم می‌توان شاهد تطابق و تکامل هرچه بیشتر جامعه بود. پارسونز که از اندیشمندان وابسته به این رویکرد می‌باشد، مفهوم تطابق را در ارتباط با تمایز اجتماعی مطرح می‌کند. وی معتقد است که به موازات تکامل یافتن

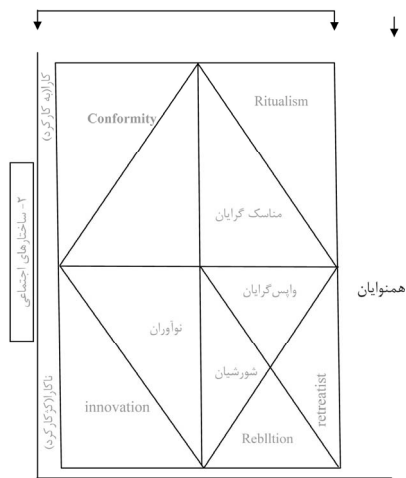
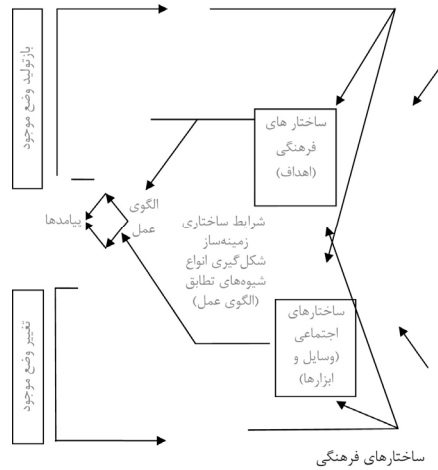
هربرت مید به عنوان نظریه پردازان کلاسیک و صاحب نظرانی چون آنتونی گیدنز، پیر بوردیو و یورگن هابرماس به عنوان تلفیق گرایان معاصر که سپهر معنا بخشی به کنش و کردار آدمی دارند، و زندگی و کردار اجتماعی در تمام سطوح را متأثر مجموعه عوامل چندگانه می دانند، استفاده گردید. اما در این قسمت به علت ارتباط مستقیم و زیاد نظریه رابرت مرتن با موضوع تحقیق به شرح و بسط بیشتر نظریه وی پرداخته و تنها اشاره وار به نظریات دیگر صاحب نظران پرداخته می شود.

**رابرت مرتون:** وی جامعه را نظامی در نظر می گیرد که مشتمل بر مجموعه ای از عناصر ساختاری چون فرهنگ و ساختارهای اجتماعی است که در تعامل و هماهنگی با یکدیگر و با ایفای کارکردهای مربوط به خود، امکان تطابق نظام اجتماعی و سازگاری افراد با محیط خویش را فراهم می سازند. در چنین دیدگاهی، الگوی رفتاری افراد، از جمله شیوه سازگاری یا تطابق آنان با محیط، تابعی از شرایط و فرصتهایی است که جامعه برای آنان فراهم می کند. در دیدگاه مرتن ساخت به رابطه پایدار بین دو یا چند عنصر اجتماعی نظیر موقعیت یا پایگاه اجتماعی و

کارکرد به نتیجه عینی چنین ساختاری اطلاق می شود (عبداللهی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷).  
به نظر مرتن، در میان عناصر گوناگون ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، دو مورد از آنها اهمیت بیشتری دارند. این دو عنصر در تجزیه و تحلیل ها تفکیک ناپذیرند، اما در وضعیت های عینی با یکدیگر آمیخته اند. نخستین عنصر شامل هدفها، منظورها و علاقه هایی است که به وسیله فرهنگ جامعه تعریف و تعیین شده و به صورت هدف های مشروع برای همه اعضای جامعه یا بخش هایی از آن درآمده است. هدفها کمابیش همبسته اند و نیز به طور کلی در یک سلسله مراتب ارزشی دسته بندی می شوند. هدف های متداول که میزان حساسیت و اهمیت آنها متفاوت است، در بردارنده چارچوب مرجع آرمانی هستند، یعنی اموری هستند که «ارزش تلاش کردن» را دارند. و این هدفها گرچه با سائقه های زیست شناختی ارتباط دارد، اما به وسیله آنها تعیین نمی شود. عنصر دوم ساختارهای اجتماعی، شیوه های پذیرفتنی رسیدن به این هدف را تعیین، تنظیم و نظارت می کند. هر گروهی ناگزیر است هدف های فرهنگی خود را با مقرراتی منطبق کند که ریشه در نظام رسوم اخلاقی یا نهادها دارد و این



علامت + به معنای پذیرش و علامت - به معنای عدم پذیرش اهداف و وسایل اجتماعی می‌باشد.



اشکال برگرفته از (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۴۶).

**جرج هربرت مید.** مبانی نظری مید بر سه مفهوم بنیادی ذهن، خود و جامعه است که از نظر مید عنصری که انسان را از سایر حیوانات متمایز می‌سازد، ذهن است. از نظر

مقررات بیانگر راه و روش‌های مجاز حرکت به سوی این هدف‌هاست. این هنجارهای نظم‌دهنده ضرورتاً با هنجارهای فنی و کارآمد یکی نیستند، بلکه مربوط به احساس‌های ارزشی نهفته در آن است (مرتن، ۱۳۸۳، ص ۴۳۲). او می‌خواهد ثابت کند که ساختار اجتماعی تنوعی از شیوه‌های کنش (شیوه‌های انطباق) را در اختیار اشخاص قرار می‌دهد، و اینکه این شرایط ساختی است که علت ریشه‌ای انحراف اجتماعی است. وی نشان می‌دهد که چگونه بروز انواع مشخصی از عمل در شرایط اجتماعی معین، هنجاری و قابل پیش‌بینی است و این تبیینی کاملاً جامعه‌شناختی است (اسکیدمور، ۱۳۷۲، ص ۱۵۹).

سنخ‌شناسی شیوه‌های انطباق فردی: شکل‌گیری و نوع الگوهای تطابق به نظر مرتن معلول و محصول چگونگی روابط اجزای ساختاری جامعه یعنی اجتماع و فرهنگ می‌باشد که انواع آنها به صورت خلاصه در شکل زیر آمده است:

| نوع تطابق     | همنویان | فردی | مناسک‌گرایی | واپس‌گرایی | تولید فرهنگی |
|---------------|---------|------|-------------|------------|--------------|
| اجزاء جامعه   |         |      |             |            |              |
| اهداف اجتماعی | +       | +    | -           | -          | -/+          |
| وسایل اجتماعی | +       | -    | +           | -          | -/+          |

وی، ذهن در جریان فرآیند انتخابی ایجاد می‌شود. به این معنا که کودک برای بقاء خود نیازمند بعضی از حرکات است. با انجام حرکات مختلف سایرین کنش‌های مناسبی در مقابل او و حرکاتش انجام خواهد داد (ترنر، ۱۳۸۲، ص ۲۰۹). به نظر می‌آید وجود زبان که خود یک نوع محصول اجتماعی است، در تحلیل نهایی به وجود آورنده ذهن است. ذهن را می‌توان به‌عنوان گفتگوی داخلی انسان با خودش از طریق نمادهای معنی‌دار تعریف کرد. نماد معنی‌دار شفاهی برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا ما همیشه می‌توانیم به خودمان گوش فرا دهیم، هرچند که شاید همیشه نتوانیم اداهای جسمانی مان را تشخیص دهیم. (ریتزر، ۱۳۸۴، ص ۲۷۷). می‌توانیم بگوییم که ذهن شش اصل را ذکر می‌کند که بنا به اقتضاء و ضرورت و ارتباط با بحث، فقط به سه اصل آن اشاره می‌گردد:

۱. هرچند کودک بیشتر حرکات و اشارات معنی را بخواند و مورد استفاده قرار دهد، توانایی ایفای نقش وی با دیگران در محیط بیشتر و در نتیجه توانایی ارتباط نیازها و پیش‌بینی پاسخ‌های دیگری که وی برای تکمیل انگیزه‌هایش به آنها وابسته است، بیشتر می‌شود.

۲. هرچه توانایی کودک برای ایفای نقش و استفاده از حرکات و اشارات معنی‌دار بیشتر می‌شود، توانایی ارتباط با خویش بیشتر می‌شود.
۳. هرچه توانایی یک کودک برای ارتباط با خودش بیشتر گردد، توانایی تعیین پنهانی اشیاء محیط، جلوگیری از پاسخ‌های نامناسب و انتخاب پاسخ‌هایی که انگیزه‌هایش را تکمیل و در نتیجه سازگاریش را تسهیل نماید، بیشتر می‌شود (ترنر، ۱۳۷۱، ص ۶۱۷). می‌توانیم بگوییم: «فرآیند نقش‌پذیری اساساً از طریق زبان صورت می‌گیرد. زبان بیش از هر چیز تحت تأثیر بنیادی حرکت آوایی است که به‌وسیله آن فعالیت‌های جمعی انجام می‌شود. زبان به‌طور عمده حرکات آوایی است که به‌وسیله آن فعالیت‌های جمعی انجام می‌شود.

نظر می‌آید درباره خود مستقیماً از ایده‌های او درباره ذهن نشئت می‌گیرد. می‌توان گفت خود شیوه دیگر به‌کارگیری همان نکات مطروحه درباره زبان و ارتباط است که مجموعه نتایج دیگری از آن گرفته شده است. به نظر می‌آید، انعطاف‌پذیری با توانایی واکنش نسبت به خود به همان‌سان که شخص در برابر دیگران واکنش نشان می‌دهد، برای تحول در قالب فراگرد

نهادها را اموری قابل انعطاف و در حال پیشرفت می‌بیند که با تغییر تعاریف و موقعیت‌ها یا تغییر واقعیت‌ها مسائل نهادها و مانند اینها تغییر می‌کند، در عین اینکه می‌پذیرد نهادها اموری هستند که قابلیت سخت شدن و عدم انعطاف را دارند (اسکیدمور، ۱۳۷۲، ص ۲۵۶). به همین‌سان، نهادها را چیزی جز یک رشته واکنش‌های مشترک نمی‌انگارد. مید متذکر می‌شود که جوامع انسانی تنها نمی‌توانند اشکال متفاوتی به خود بگیرند و به‌طور گریزناپذیری همان‌طور که اذهان بشری اعمال اجتماعی را توسعه می‌دهند، در اشکال پیچیده‌تری رشد می‌کنند. برای مید زندگی گروهی انسانی به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی نه فقط تطابق‌های رفتار انسانی که در نقاط بیشتر تماس بلاواسطه موجودات انسانی رخ می‌دهند، بلکه سازگاری این تطابق‌ها با یکدیگر در صور متعالی وسیع‌تر سازمان را در بر می‌گیرد. به نظر مید، شرکت‌کننده، در ایفای نقش دیگری عام، خودش را در موقعیتی قرار می‌دهد که منطبق یک نهاد معین یا یک مجموعه معین نهادها را درک کند و این منطبق را برای هدایت رفتارش در یک موقعیت نهادی به کار ببرد. بدین ترتیب، دیگری عام، شرکت‌کننده در جامعه وسیع‌تر

اجتماعی، شرطی ضروری به شمار می‌آید (ریتزر، ۱۳۸۴، ص ۲۷۹) مید در، توضیح خود چنین می‌گوید: انسان سوای انگیزه‌ها و تحریکاتی که از سوی محیط بر او وارد می‌شود، باید چیزی در درون داشته باشد که هویت او را بسازد، به شکلی که بتواند به آن رجوع کند و او را مورد مشورت قرار دهد و از او کمک بخواهد. خود پس از تشکیل شدن در برخورد با هنجارها، پدیده‌ها و واقعیت‌های جدید اجتماعی ممکن است آنها را قبول کند و یا قبول نکند. بنابراین به اعتقاد مید، اولین و مهم‌ترین خصوصیت خود، پوششی بودن آن است، چرا که هیچ‌گاه، تبدیل به ساخت نمی‌شود (تنهایی، ۱۳۷۱، ص ۲۶۹).

مید در جهت توضیح شکل‌گیری مفهوم جامعه، از چگونگی شکل‌گیری نهادها شروع می‌کند و از نظر وی، از مفهوم ارتباطات، چنین برمی‌آید که سلوک به‌طور متقابل سازگار می‌شود. اگر این سلوک‌های متقابل در راستای مشترکی باشند و برای مدت زمانی ثابت باقی بمانند، این مجموعه نهاد می‌باشد. نهادها شیء نیستند، بلکه کیفیات پایا و خاص تعامل هستند. منظور مید از آن روابط متقابل اجتماعی تقویت‌شده و افزاینده این است که حول علایقی سازمان‌یافته همگی در آن سهیم‌اند. مید

را قادر می‌سازد که از مجموعه وسیع‌تری که رفتارش باید در آن تطابق یابد، ادراکی به‌دست آورد (بلومر، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴).

### دیدگاه‌های تلفیق‌گرای معاصر

**آنتونی گیدنز.** وی نظریه ساخت‌یابی خود را از بین دو موضوع که سایر نظریه‌پردازان آنان را نقطه مقابل یکدیگر تلقی می‌کنند، به وجود آورد؛ یعنی از بین نظریه‌های مربوط به جمع از یک طرف و نظریه‌های مربوط به فرد از طرف دیگر. او در بین این دو نظریه زمینه مشترکی را می‌یابد تا بر اساس یک تصور ساده، نظریه ساخت‌یابی خود را تدوین کند، هرچند در زندگی اجتماعی، از آنچه درسیستم‌های جهانی دربر می‌گیرند، تا آنچه وضعیت فکری یک فرد محقق می‌شود، در یک کردار<sup>۳</sup> اجتماعی به وجود می‌آید (کوهن، ۱۳۸۳، ص ۴۲۴). وی معتقد است که ساختار می‌تواند به‌عنوان قواعد<sup>۴</sup> و منابع<sup>۵</sup> که کنشگران به‌کار می‌برند و در متن‌های تعامل<sup>۶</sup> فضا و زمان وسعت می‌یابد، تصور شود. قواعد شیوه‌های تعمیم‌یافته هستند که کنشگران در شرایط متنوع فهمیده و به‌کار می‌برند. وی معتقد

است که یک قاعده تکنیک یا روش‌شناسی است که کنشگران اغلب به‌طور ضمنی می‌دانند و یک فرمول برای کنش فراهم می‌کند. این قواعد مشخصه‌های معینی را آشکار می‌کنند که:

- ۱- اغلب در الف) مکالمات ب) مراسم تعامل ج) کارهای روزمره افراد به‌کار برده می‌شود؛
- ۲- به‌طور ضمنی درک و فهم شده‌اند و قسمتی از دانش ذخیره شده کنشگران توانا هستند؛

۳- غیر رسمی و نانوشته هستند؛

- ۴- به‌طور ضعیفی از طریق تکنیک‌های بین شخصی مجازات می‌شوند. به‌طور کلی قواعد می‌توانند هنجاری باشند، اما بسیاری دیگر از قواعد بیشتر به‌طور ضمنی فهمیده می‌شوند و برای جریان تعامل به شیوه‌ای که به آسانی ابراز نشده، به‌کار می‌رود (ترنر، ۱۳۶۲، ص ۴۹۳). بنابراین عاملیت به آگاهی از بازمانده‌های شیوه‌ها، ابزار و اسباب انجام امور بستگی دارد. تا جایی که به منبع و قاعده و گذشته وابسته شده است، عاملیت عینیت یافته و می‌باید سوژه (ذهن) و ابژه (ساختار) را به‌هم متصل کند. دوگانگی ساختار مبین این است که صرفاً هدفمندی عامل‌ها ساختارها را فعال می‌سازد و

3. Praxis  
4. Rules  
5. Resources  
6. Interaction Context

چطور رفتارهایشان را هم‌پایه سازند (ترنر، ۱۳۷۹، ص ۵۹۷). وی معتقد است کنش غایی دنیای دینی، کنش هنجاری دنیای اجتماعی، کنش شبیه‌سازانه دنیای ذهنی و کنش ارتباطی همزمان دنیایی ذهنی، اجتماعی، ذهنی را مورد توجه قرار می‌دهد (ریتزر، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱). هابرماس در اثر دوجلدی نظریه کنش ارتباطی کوشیده است میان عقل ارتباطی و عقل ابزاری - استراتژیک تفاوت قائل شود. او پتانسیل رهایی افراد و جامعه بشری را در عقل ارتباطی و کنش‌هایی می‌داند که از فرهنگ‌های مختلف تجلی عقل ارتباطی هستند. ارتباط‌هایی که به‌واسطه زبان و به‌دور از سلطه باشد. پس هابرماس به یک رهیافت تلفیقی برای نظریه‌پردازی اجتماعی روی آورده است. او میان جهان زندگی و جهان سطح خردتری که در آن کنشگران ضمن ارتباط با یکدیگر در مورد امور مختلف به تفاهم می‌رسند، پیوند می‌زنند. هابرماس خود می‌گوید: «عقل ارتباطی خود را در نیروی الزام‌آور و متقاعدکننده مفاهیم بین‌الذهانی و شناسایی متقابل آشکار می‌سازد و در عین حال، این نظریه حدود

جهان مبتنی بر شیوه زندگی مشترک را

هستی‌مند نگه می‌دارد. ساختار هم‌واسطه و هم‌پیامد عملکردهایی است که نظام‌های اجتماعی را شکل می‌دهد، مفهوم دوگانگی ساختار، تولید تعامل اجتماعی را به بازتولید نظام‌های اجتماعی در راستای زمان و مکان پیوند می‌دهد (مقدس، ۱۳۸۳، ص ۷).

**هابرماس.** وی معتقد است در جهان ارتباطی چهار نوع کنش وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. کنش غایی<sup>۷</sup>: رفتاری است که برای محاسبه ابزارهای مختلف و انتخاب مناسب‌ترین آنها برای تشخیص اهداف آشکار تعیین شده است؛

۲. کنش هنجاری<sup>۸</sup>: رفتاری است که با ارزش‌های مشترک یک گروه اندازه‌گیری می‌شود.

۳. کنش شبیه‌سازانه<sup>۹</sup>: کنشی است که کنشگران متقابلاً رفتارهایشان را دستکاری می‌کنند، برای اینکه رفتار و مقصودهایشان را نشان دهند.

۴- کنش ارتباطی<sup>۱۰</sup>: کنش متقابل بین کنشگرانی است که زبان و سمبل‌های غیر زبانی را به‌عنوان راهی از فهم موقعیت متقابلشان به کار می‌برند و توافق روی اینکه

7. Teleological Action  
8. Normative Action  
9. Dramaturgical Action  
10. Communicative Action

مشخص می‌کند. در درون چنین جهانی، نمی‌توان امور عقلانی را از امور غیرعقلانی به شیوه‌ای جدا کرد که پارمندیس (فیلسوف یونانی) می‌خواست جهل را از نوع معرفتی مجزا سازد که به‌عنوان معرفت اثباتی مطلق بر عرصه نیستی هم حکم می‌راند. عقل فعال در کنش ارتباطی نه‌تنها به اصطلاح تحت محدودیت‌های بیرونی و عینی قرار دارد، بلکه شرایط امکان خود آن عقل نیز مستلزم تجزیه آن به ابعاد زمان تاریخی، فضای اجتماعی و تجربیات جسمانی است. یعنی اینکه توان عقلانی کلام با منابع و امکانات هر زیست به جهان خاص درهم تنیده و درهم آمیخته است. تا آنجا که زیست جهان کارویژه تأمین منابع و امکانات را ایفا می‌کند، دارای خصلت معرفتی شهودی، متقن و یقینی و کلی است.»

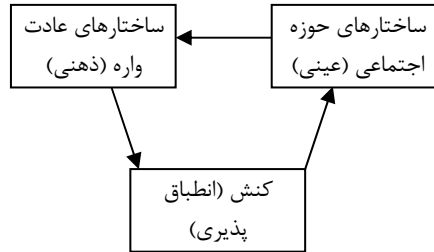
**بوردیو.** چنانچه بخواهیم مفهوم انطباق را در آرای بوردیو جستجو کنیم، می‌توانیم بگوییم در نظر بوردیو «با یک فلسفه کنش مواجه‌ایم که گاه آن را استعدادی متکی بر آمادگی خوانده‌اند: فلسفه‌ای که به آمادگی‌های بالقوه‌ای که در بدنه عاملان اجتماعی در ساختار وضعیت‌هایی که این عاملان در درون آن عمل می‌کنند یا دقیق‌تر

بگوییم در روابط میان آنها جای گرفته است، می‌پردازد. این فلسفه که در قالب چند مفهوم بنیادی از قبیل عادات واره، حوزه و سرمایه متراکم شده است و ستون فقرات آن، رابطه دوسویه میان ساختارهای عینی (ساختارهای حوزه اجتماعی) و ساختارهای ذهنی شده (عادات واره) است، به گونه‌ای ریشه‌ای در تضاد با پیش‌فرض‌های انسان‌شناختی رایج در زبانی که عاملان اجتماعی و به‌ویژه روشنفکران به‌صورتی کاملاً متفق برای تبیین رفتار به آن اتکا کرده‌اند، قرار می‌گیرد» (بوردیو، ۱۳۸۱، ص ۲۱). ابزارهای مفهومی که در آثار بوردیو کلیدی هستند عبارت‌اند از: میدان، سرمایه و عادات واره. درسیستم بوردیو، جهان اجتماعی به‌صورت فضا (با ابعاد متعدد) و بر پایه تفکیک و تمایز و توزیع مجموعه آنچه در جهان اجتماعی وجود دارد، عرضه می‌شود. عوامل اجتماعی و گروه‌ها برحسب موقعیت خود در این فضا تعریف می‌شوند. افراد نیز همین‌گونه برحسب حجم کل سرمایه و هم ترکیب سرمایه خود توزیع می‌شوند. صور مختلف سرمایه امکان شالوده‌بندی فضای اجتماعی را فراهم می‌کند (زنجان‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۳۵).

اکتفا نمی‌کنند، بلکه کنش و کردار آدمی را به لحاظ نظری و تجربی تبلور و برآیند عوامل ساختاری سطح کلان و نگرش‌های ذهنی و تفسیری سطح خرد و به‌طور کلی چندگانه می‌دانند.

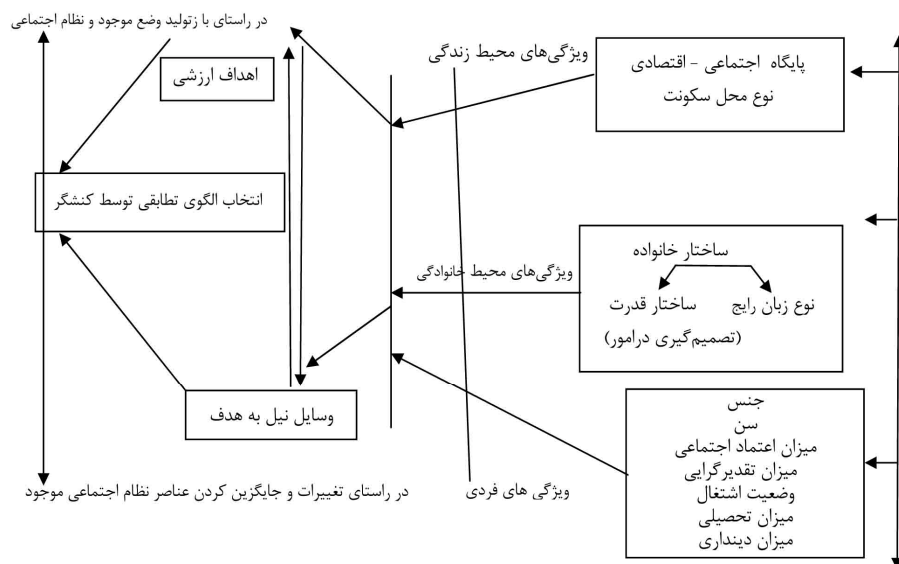
منابع تجربی. در ارتباط با منابع تجربی که ارتباط بیش و کمی با موضوع داشته‌اند، می‌توان اشاره‌وار به تحقیقات افرادی چون تاجداری (۱۳۷۷)، جوادی یگانه (۱۳۷۷)، سخاوت (۱۳۷۴)، فخری (۱۳۷۵)، فاریابی (۱۳۷۴)، اشاره کرد.

چارچوب مفهومی و مدل فرضی. در این نوشتار تطابق اجتماعی به‌عنوان وضعیتی پیچیده و چندبعدی مشتمل بر جنبه عینی و ذهنی در سطوح کلان، میانی و خرد در نظر گرفته شده است، به صورتی که در تعامل با



### ساختارهای حوزه اجتماعی (عینی)

در جمع‌بندی مطالب فوق می‌توان گفت متفکرین نام‌برده ضمن نقد دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه رویکردی تلفیقی و چارچوب مفهومی و سپهر معنایی خاصی راجع به پدیده‌های اجتماعی و کردار یا کنش انسانی اتخاذ کرده و آن را در ارتباط با عوامل چندگانه مرتبط با هم در نظر می‌گیرند. مثلاً در ارتباط با کنش انطباق‌پذیری (موضوع تحقیق) تنها به یکی از سطوح نظری و به تبع آن روش‌های تجربی محدود و خاص



هم، کلیت واحدی (تطابق اجتماعی) را شکل می‌دهند. ترکیب متغیرهای مذکور در قالب مدل فرضی زیر مشخص شده است.

### ۳-۱- پرسش‌های اساسی

- الگوهای تطابق (سازگاری) در بین افراد مورد مطالعه کدام می‌باشد؟
- الگوی غالب کدام است و چرا؟
- شکل‌گیری الگوهای غالب تطابق در نزد افراد با چه عواملی در ارتباط است؟

### ۳-۲- فرضیه‌های اساسی

تطابق یا سازگاری افراد تابعی است از مجموعه‌ای از عوامل زیر: در سطح کلان: ویژگی‌های جغرافیایی و سکونتی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، در سطح میانی: ساختار قدرت در خانواده (نوع زبان رایج و قدرت تصمیم‌گیری) و در سطح خرد: میزان اعتماد اجتماعی، میزان تقدیرگرایی، وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات، میزان دینداری، جنس و سن.

### ۴- روش‌شناسی تحقیق

#### ۴-۱- تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها، سنجش روایی و پایایی مقیاس‌ها

الگوهای تطابق؛ انتخاب‌ها، گزینش‌ها و شیوه‌های کنشی می‌باشند که افراد با توجه و

در اثر مجموعه عواملی اعم از سطح کلان / خرد و عینی / ذهنی انتخاب می‌کنند و به کنش خویش می‌پردازند. الگوهای تطابقی به‌عنوان کنش به: چهار نوع هم‌نوایی، نوآوری، مناسب‌گرایی، و واپس‌گرایی / شورش تقسیم می‌شوند.

هم‌نوایی<sup>۱۱</sup>: الگوی رفتاری می‌باشد که هم‌زمان بین اهداف و وسایل نهادی هماهنگی و تعادل می‌باشد. به‌عبارتی دیگر بین ارزش‌های مد نظر شخص و راه‌های نیل به آن ارزش‌ها هیچ گونه گسستی وجود ندارد. به بیان آماری اختلاف نمره‌ای بین اجزای ساختاری جامعه (فرهنگ و اجتماع) صفر و یا حداقل باشد، و در این تحقیق محدوده آن +۱ تا -۱ به‌عنوان هم‌نوایی انتخاب شده است.

نوآوری<sup>۱۲</sup>: به الگوی کنشی گفته می‌شود که شخص اهداف ارزشی و آرمانی مورد قبول جامعه را تأیید می‌کند، اما راه‌ها و مسیرهای نیل به آن اهداف ارزشی را یافت نمی‌کند و قبول ندارد. به‌عبارت دیگر به اهداف ارزشی وزن و اهمیت بیشتری نسبت به راه‌های رسیدن به اهداف می‌بخشد. به بیان آماری نمره اهداف وی بیشتر از نمره وسایل می‌باشد. یعنی اگر نمره وسایل را از نمره

11. Conformity  
12. Innovation



اهداف و وسایل افراد جامعه مورد مطالعه کمتر می‌باشد.

اهداف فرهنگی<sup>۱۶</sup>: اشاره به مجموعه آرزوها، انتظارات، ارزش‌ها، خواسته‌ها و اشتیاق‌هایی دارد که فرهنگ جامعه به عنوان هدف تبلیغ کرده و به افراد می‌آموزد. و از افراد جامعه انتظار می‌رود که طرح زندگی خود را بر اساس هدف‌های مشروع که از سوی فرهنگ جامعه تبلیغ می‌گردد، بریزند. در اینجا ما هدف‌ها را به لحاظ تحلیلی چهار نوع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تقسیم‌بندی می‌کنیم که شاخص‌های اهداف فرهنگی؛ کسب دانش، کسب شناخت، اهداف اقتصادی؛ کسب پول، داشتن زندگی مرفه، اهداف اجتماعی؛ کسب احترام و انجام خدمت اجتماعی، داشتن زندگی آبرومندانه و اهداف سیاسی؛ کسب قدرت و مقام، نظارت و مدیریت را جهت عملیاتی کردن انتخاب کردیم.

وسایل نهادی<sup>۱۷</sup>: کلیه راه‌ها، جاده‌ها، وسایل و اسباب حصول به اهداف فرهنگی است که معمولاً در هر فرهنگی تنظیم شده است و کنترل گردیده است و مشروعیت آنها از سوی سیستم فرهنگی هر جامعه قبلاً مشخص و معین و اعلام شده است. قواعد و

اهداف کم کنیم، نتیجه مثبت می‌باشد و بالاتر ۲+ باشد، پس محدوده نمره بین ۲+ و ۱۰+ نوآوری می‌باشد.

مناسک‌گرایی<sup>۱۳</sup>: مناسک‌گرایی الگوی رفتاری عکس وضعیت نوآوری است، یعنی شخص اهداف ارزشی و آرمانی موجود در جامعه را قبول ندارد، ولی وسایل و راه‌های رسیدن به آن اهداف را قبول دارد. به عبارت دیگر بیشتر به کنش ظاهرگرایی و همراهی با وسایل موجود در جامعه می‌پردازد تا پذیرش و قبول داشتن اهداف. پس به دنبال این توضیح نمره وسایل بیشتر از نمره اهداف می‌باشد و محدوده نمره چنین الگوی بین ۲- و ۱۰- می‌باشد.

واپس‌گرایی<sup>۱۴</sup> / طغیان<sup>۱۵</sup>: واپس‌گرایی / طغیان الگوی عمل و کنشی شخصی گفته می‌شود که هر دو جزء ساختار جامعه (اهداف ارزشی و وسایل هنجاری) را قبول ندارد و به دنبال هیچ جایگزینی برای آنها نمی‌رود و یا اینکه به دنبال ارایه و اتخاذ راه‌ها و اهداف جدید در آینده بر می‌آید. لذا، هیچ‌گونه اهمیتی برای اهداف و وسایل موجود در جامعه قایل نمی‌شود. پس هم نمره اهداف وی و هم نمره وسایل وی از میانگین نمره

رفتار اجتماعی وسایل مشروع جهت نیل به هدف‌های فرهنگی را معین می‌سازد و افراد جامعه را مکلف می‌دارد تا برای رسیدن به هدف‌ها، راه‌هایی را دنبال کنند و از وسایل بهره‌گیرند که قواعد رفتار اجتماعی معین کرده است. از آنجایی که هر کدام از اهداف، واجد وسایل مناسب با خود می‌باشند لذا، ما نیز وسایل را به لحاظ تحلیلی بر چهار نوع فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی تقسیم کرده‌ایم که شاخص‌های وسایل فرهنگی؛ میزان تمایل به کتابخوانی، وسایل سیاسی؛ میزان پرداختن به فعالیت‌های سیاسی، وسایل اجتماعی، میزان تمایل به پرداختن کارهای اجتماعی، و وسایل اقتصادی؛ میزان تمایل به مشاغل مختلف را جهت عملیاتی کردن انتخاب کرده‌ایم.

جنسیت: به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می‌شود (گیدنر، ۱۳۷۶، ص ۱۷۵).

نوع و محل سکونت: موقعیت و مکان جغرافیایی است که فرد خود را متعلق به آن می‌داند و بیشتر دوره زندگی خود را در آنجا گذرانیده است. این متغیر به صورت مقوله‌های (۱) شهر (۲) روستا در سطح اسمی اندازه‌گیری می‌شود.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی<sup>۱۸</sup>: اصطلاح پایگاه اجتماعی، موقعیتی را مشخص می‌کند که یک فرد در گروه یا یک گروه در جامعه (به‌عنوان گروه یا گروه‌ها) احراز کرده است. این موقعیت دو بُعد دارد: یکی افقی و دیگری عمودی. منظور از بُعد افقی پایگاه، شبکه روابط و مبادلات بالفعل یا بالقوه‌ای است که فرد با سایر افراد هم‌سطح خود دارد و منظور از بُعد عمودی نیز شبکه روابط و مبادلاتی است که فرد با افرادی که در سطحی بالاتر یا پایین‌تر از او هستند، می‌خواهند با او داشته باشند. بنابراین پایگاه را می‌توان مجموعه منابع بالفعل یا بالقوه تعریف کرد که با در اختیار داشتن آنها کنشگر اجتماعی می‌تواند نقش‌های خود را درون طیفی از صورت‌های اصیل ایفا کند (بودن، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷). جهت سنجش پایگاه اجتماعی در عمل نمره پایگاه اجتماعی اندازه‌ای است چندگویه‌ای که حاصل میانگین‌گیری از نمرات گویه‌های جزئی شغل و تحصیلات و درآمد خانواده پاسخگوست، به طوری که بعد از محاسبه پایگاه اجتماعی در سطح سنجش ترتیبی به ترتیب پایگاه اجتماعی بالا، متوسط و پایین محاسبه می‌شود.

18. Social - Economical Status

جنبه محلی و منطقه‌ای دارد. در مواردی جنبه ملی یا بین‌المللی پیدا می‌کند. مانند سرنوشت، ذات و سرشت تغییرناپذیر، نحوست عدد ۱۳ از این نوع است. همه افراد به یک نسبت به همه آنها معتقد نیستند و اعتقادات افراد از وابستگی کامل تا بی‌اعتقادی به این اندیشه‌ها متغیر است (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۱).

میزان اعتماد: در زبان فارسی اعتماد مترادف با تکیه کردن و گذاشتن کار به کسی. اطمینان، و وثوق، باور و اعتقاد به کار گرفته شده است (دهخدا، ۱۳۳۳ / عمید، ۲۵۳۷). در زبان لاتین نیز اعتماد<sup>۲۰</sup> معادل کلمه Faith یونانی مورد استفاده قرار گرفته است که مفهوم اعتماد و وثوق، تسلیم در برابر دیگری و اطمینان به شخص دیگر در آن مستتر است. جیمز کلن، اعتماد را بخشی از سرمایه اجتماعی می‌داند. از دیدگاه وی سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که منابع را در اختیار کنشگران قرار می‌دهد تا در جهت رسیدن به مقصودشان از آن استفاده کنند. سرمایه اجتماعی شامل روابط اعتماد، اقتدار، هنجارها، ارزش‌ها، و... می‌باشد (کلن، ۱۳۷۷، ص ۴۷۶) به‌طور کلی جامعه‌شناسان از دیدگاه‌های مختلف، دو نوع

ساختار قدرت (در خانواده): قدرت را می‌توان توانایی کنترل یا تأثیر گذاشتن بر دیگران، صرف‌نظر از خواست یا میل آنها تعریف کرد. قدرت یعنی توانایی یک فرد یا یک گروه برای وادار کردن دیگران به انجام دادن کاری که صاحب یا صاحبان قدرت خواهان آن‌اند. وبر قدرت را به‌مثابه توانایی افراد یا گروه‌ها «برای تحقق بخشیدن به خواسته‌های خود در یک عمل جمعی حتی بر خلاف خواست دیگرانی که در این عمل جمعی شرکت کرده‌اند، تعریف می‌کند.

آلن بیرو قدرت را این‌گونه تعریف می‌کند: هر نیرو یا اقتدار فردی یا جمعی از این جهت که از توان مطیع ساختن دیگران به اطاعت واداشتن آنان و ایجاد آشتی بین خواسته‌های آنان برخوردار است. (بیرو، ۱۳۷۰، ص ۲۵۸). برای سنجش قدرت در خانواده از شاخص‌های تصمیم‌گیری درباره امور مختلف زندگی در ابعاد تحلیلی جامعه چون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی استفاده شد.

میزان تقدیرگرایی: تقدیرگرایی جزو باورداشته‌ها و پندارها می‌باشد. باورداشته‌ها<sup>۱۹</sup>، آرای شکل‌گرفته‌ای است که نسل به نسل منتقل می‌شود. برخی از آنها

20. Trust

19. Believes

اعتماد اجتماعی را تشخیص داده‌اند:

۱. اعتمادی که بیشتر در جوامع سنتی دیده می‌شود. ۲. نوع دوم اعتماد مربوط به جوامع مدرن است (احمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳). با عنایت به تعریف مفهومی و نظری از اعتماد، برحسب نوع ارتباطی که یک پاسخگو می‌تواند با هر کدام از پایگاه‌های محیط اطراف (خانواده، دوستان، جامعه، دولت، ...) داشته باشد، چهار نوع اعتماد مطرح می‌شود. که می‌توان موارد بالا را به سه صورت: ۱. اعتماد بین فردی به افراد آشنا، ۲. اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته به بیگانگان و ۳. اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها تقسیم‌بندی کرد.

میزان دینداری: از مدل گلاک و استارک در مورد ابعاد مرکزی دینداری چون اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی استفاده گردید که در نهایت از ترکیب فوق میزان دینداری سنجیده شد.

#### ۲-۴- جامعه آماری، روش‌های نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری، مجموع افراد ۱۶ تا ۳۵ ساله جوانان استان ایلام در زمستان ۱۳۸۵ بوده است. با توجه به هدف پژوهش و ملاک‌های آماری و تجربی و سایر محدودیت‌ها، از روش نمونه‌گیری

چندمرحله‌ای (تصادفی) و در برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران که مخصوص نمونه‌گیری تصادفی است، استفاده شد که تعداد واحد نمونه ۳۸۰ نفر رسید.

#### ۳-۴- روش تحقیق و تکنیک‌های گردآوری و توصیف و تحلیل داده‌ها

نوع تحقیق پیمایشی و تکنیک عمده گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است، ولی از سایر تکنیک‌ها از جمله رجوع به اسناد و منابع موجود به منظور دستیابی به اطلاعات ثانویه و انجام مصاحبه‌های موردی برای کنترل کیفیت داده‌های گردآوری شده هم استفاده شده است. در توصیف و تحلیل داده‌ها علاوه بر بهره‌گیری از آمار توصیفی، از جمله جدول‌های توزیع فراوانی و شاخص‌های مرکزی و آمار استنباطی، به‌ویژه جدول‌های متقاطع و آزمون‌های آماری در سطح پیچیده‌تر، تکنیک‌های تحلیل چند متغیری از جمله رگرسیون هم به‌کار رفته است. در ارزیابی و سنجش روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری، ضمن نظرخواهی از اصحاب تخصص و انجام پیش‌آزمون متوالی از ضریب آلفای کرونباخ هم استفاده شد و نیز برای تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم افزار SPSS استفاده گردید.

## ۵- یافته‌ها و پیامدهای تطابق اجتماعی

جدول شماره ۱ - مشخصات پاسخگویان بر حسب متغیرهای دینداری، اعتماد و

### تقدیرگرایی

| ردیف | متغیرها            | شاخص مرکزی | کل   |       | گزینه | فراوانی درصد | گزینه | فراوانی درصد |
|------|--------------------|------------|------|-------|-------|--------------|-------|--------------|
|      |                    |            | بالا | پایین |       |              |       |              |
| ۱    | میزان دینداری      | نما        | ۸۷/۶ | ۳۳/۱  | بالا  | ۶۹/۷         | ۲۶۰   | ۲۴۰          |
|      | ۱- اعتقادی         | نما        | ۸۱/۶ | ۳۱۰   | متوسط | ۶۹/۷         | ۲۶۰   | ۲۴۰          |
|      | ۲- عاطفی           | نما        | ۵۲/۹ | ۱۹۹   | متوسط | ۶۹/۷         | ۲۶۰   | ۲۴۰          |
| ۲    | میزان اعتماد       | نما        | ۶۲/۲ | ۲۱۲   | پایین | ۴۹/۳         | ۱۸۵   | ۱۸۵          |
|      | ۱- اعتماد مدنی     | نما        | ۴۶   | ۱۷۳   | متوسط | ۴۹/۳         | ۱۸۵   | ۱۸۵          |
|      | ۲- اعتماد بین فردی | نما        | ۲۵/۹ | ۹۸    | متوسط | ۴۹/۳         | ۱۸۵   | ۱۸۵          |
| ۳    | میزان تقدیرگرایی   | نما        | ۳۷/۲ | ۱۲۸   | متوسط | -            | -     | -            |

چنانچه در جدول فوق مشاهده می‌شود در بین پاسخگویان در ارتباط با متغیرهای فوق، میزان کل دینداری بالا بوده و در بین انواع دینداری بیشترین میزان مربوط به دینداری اعتقادی و مناسبی می‌باشد. همچنین در ارتباط با متغیر اعتماد، میزان کلی متوسط و کمترین میزان اعتماد مربوط به نوع مدنی (نهادهای رسمی، اجرایی...) می‌باشد. و در نهایت در ارتباط با متغیر تقدیرگرایی که میزان کلی آن متوسط است.

جدول شماره ۲ - مشخصات جوانان مورد بررسی به لحاظ میزان اهمیتی که

برای اهداف و وسایل (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) قابل‌اند.

| اهداف مورد نظر و طراحی شده در نظام اجتماعی |   |            |           | وسایل موجود و ایجاد شده در نظام اجتماعی |      |       |  |
|--|---|------------|-----------|---|------|-------|--|
| اهداف                                      | توصیف   | شاخص مرکزی | گزینه     | فراوانی                                 | درصد | وسایل | توصیف  |
|  |   |            |           |   |      |       |  |
| سیاسی: کسب قدرت و مدیریت و...              | سیاسی: پرداختن به فعالیت‌های سیاسی و...                                 | نما        | زیاد      | ۱۲۲                                     | ۳۲/۶ | نما   | سیاسی: پرداختن به فعالیت‌های سیاسی و...          |
| اجتماعی: کسب آبرو و احترام اجتماعی و...    | اجتماعی: انجام کارهای اجتماعی و داشتن کارهای اجتماعی و داشتن تعامل و... | نما        | خیلی زیاد | ۳۲۲                                     | ۸۶/۱ | متوسط | اجتماعی: انجام کارهای اجتماعی و داشتن تعامل و... |
| اقتصادی: کسب پول و زندگی مرفه و...         | اقتصادی: تمایل به مشاغل مختلف و...                                      | نما        | زیاد      | ۱۲۶                                     | ۳۳/۷ | متوسط | اقتصادی: تمایل به مشاغل مختلف و...               |
| فرهنگی: کسب دانش و شناخت و...              | فرهنگی: میل به کتابخوانی، مطالعه و...                                   | نما        | خیلی زیاد | ۲۲۵                                     | ۶۰/۲ | متوسط | فرهنگی: میل به کتابخوانی، مطالعه و...            |

همان‌طور که در جدول فوق به نمایش آمده در مجموع و به لحاظ مقایسه، بیشترین اهمیت را برای اهداف مورد نظر و طراحی شده در نظام اجتماعی قابل بوده‌اند. به‌صورتی که با مقایسه ابعاد اهداف و آرمان‌های طراحی شده، بیشترین اهمیت مربوط به اهداف اجتماعی و فرهنگی به میزان خیلی زیاد می‌باشد. و در تناظر با اهداف، کمترین اهمیت برای وسایل اجتماعی مربوط به اهداف سیاسی با میزان کم می‌باشد. علاوه بر اینکه جوانان مورد بررسی در میان اهداف به ابعاد جهان‌زیست و مدنی (اجتماعی و فرهنگی) و محل گستره همگانی خویش که در آن اهداف معمولاً به‌واسطه گفتگوی آزاد و خردمندانه و به دور از سلطه درباره قواعد جاری و آتی حیات

اجتماعی شکل می‌گیرد، در نسبت با جهان رسمی و ابزاری اهمیت بیشتری قایل بوده‌اند.

### جدول شماره ۳ - تلفیق و توزیع توصیفی الگوهای تطابق در خرده نظام‌های جامعه

| توصیف خرده نظام‌ها | نوع تطابق     | نوع تطابق | نوع تطابق | نوع تطابق |
|--------------------|---------------|-----------|-----------|-----------|
| توصیف              | نوع تطابق     | نوع تطابق | نوع تطابق | نوع تطابق |
| اجتماعی            | همنویانه      | ۴۷        | ۱۲/۶      | نما       |
|                    | نوآورانه      | ۲۴۷       | ۶۶        | نما       |
|                    | مناسک‌گرایانه | ۱۶        | ۴/۳       | نما       |
| اقتصادی            | همنویانه      | ۵۹        | ۱۵/۸      | نما       |
|                    | نوآورانه      | ۱۳۳       | ۳۵/۶      | نما       |
|                    | مناسک‌گرایانه | ۱۲۲       | ۳۲/۶      | نما       |
| فرهنگی             | همنویانه      | ۷۴        | ۱۹/۸      | نما       |
|                    | نوآورانه      | ۱۸۶       | ۴۹/۷      | نما       |
|                    | مناسک‌گرایانه | ۴۱        | ۱۱        | نما       |
| سیاسی              | همنویانه      | ۳۸        | ۱۰/۲      | نما       |
|                    | نوآورانه      | ۲۳۵       | ۶۳        | نما       |
|                    | مناسک‌گرایانه | ۳۶        | ۹/۷       | نما       |
|                    | واپسگرایانه   | ۶۴        | ۱۷/۲      | نما       |

بر اساس آنچه که در جدول فوق به نمایش آمده، تطابق‌های نوآورانه بیشترین درصد (۶۶) و مناسک‌گرایانه کمترین درصد (۴/۳)، نوآورانه بیشترین درصد (۳۵/۶) و واپسگرایانه کمترین درصد (۱۶)، نوآورانه بیشترین درصد (۴۹/۷) و مناسک‌گرایانه کمترین درصد (۱۱) و نوآورانه بیشترین درصد (۶۳) و مناسک‌گرایانه کمترین درصد (۹/۷) به ترتیب جدول یعنی اجتماعی،

اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد و در کل جامعه تطابق ناهمنویانه نوآوری غالب بوده است. لذا می‌توان گفت که اهداف مد نظر و طراحی شده موجود در نظام اجتماعی از اهمیت و مقبولیت بیشتری برخوردار می‌باشند.

### جدول شماره ۴ - اختلاف نمره میانگین اهداف و وسایل در حوزه‌های چهارگانه جامعه

| نمره اهداف و وسایل | نمره اهداف | نمره وسایل | اختلاف نمره | df  | تایم‌مندی |
|--------------------|------------|------------|-------------|-----|-----------|
| حوزه سیاسی         | ۲۵/۱۰      | ۱۷/۷۳      | +۷/۳۶       | ۳۷۲ | ۰/۰۰۰     |
| حوزه اقتصادی       | ۲۴/۵       | ۲۳/۷۳      | +۰/۷۸       | ۳۷۳ | ۰/۰۸۶     |
| حوزه فرهنگی        | ۳۳/۸۴      | ۳۰/۰۳      | +۳/۸۰       | ۳۷۳ | ۰/۰۰۰     |
| حوزه اجتماعی       | ۳۶/۵۵      | ۲۵/۴۵      | +۱۱/۰۹      | ۳۷۳ | ۰/۰۰۰     |

چنانچه در اینجا نیز مشاهده می‌شود، در تمام حوزه‌های جامعه به استثنای حوزه اقتصادی که حوزه تغییرات، انبساط و گشایش است و کارکرد گشایش در ارتباط با دیگر اجزاء جامعه دارد، در دیگر حوزه‌های اجتماعی که محل انقباض و گرفتگی و تأخرساختاری است، شاهد جامعه نوآوری (آنومیک) می‌باشیم. به طوری که نمره اهداف از نمره وسایل بیشتر می‌باشد که در آن بیشترین اختلاف مربوط به حوزه اجتماعی و کمترین اختلاف در ارتباط با حوزه اقتصادی است. اختلاف بین میانگین نمره اهداف و

**جدول شماره ۶- توزیع کلی الگوهای تطابق در تمام حوزه ها (فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی)**

| الگوهای تطابق | فراوانی | درصد  |
|---------------|---------|-------|
| همنویانه      | ۵۶      | ۱۵/۳۵ |
| نوآورانه      | ۲۰۰     | ۵۲/۲۵ |
| مناسک گرایانه | ۵۴      | ۱۵/۱۵ |
| واپس گرایانه  | ۶۵      | ۱۷/۲۵ |
| جمع           | ۳۷۵     | ۱۰۰   |

برطبق جدول فوق تعداد ۵۶ نفر معادل ۱۵/۳۵ درصد همنویانه و تعداد ۳۱۹ نفر معادل ۸۴/۶۵ درصد ناهمنوا و در شرایط آنومیک قرار دارند. به صورتی که در میان ناهمنویان تعداد ۲۰۰ نفر معادل ۵۲/۲۵ درصد نوآور، تعداد ۵۴ نفر معادل ۱۵/۱۵ درصد مناسک گرا و تعداد ۶۵ نفر معادل ۱۷/۲۵ درصد واپس گرایان را تشکیل داده اند. بر این اساس وضعیت ناهمنویانه در بین جمعیت مورد مطالعه (جوانان) غالب بوده و حکایت از یک نوع حالت آنومیک دارد.

**۷- رگرسیون لجستیک**

پیش بینی: پیش بینی معطوف به روابط متغیرها بر مبنای محاسبه رگرسیون لجستیک انجام می شود. رگرسیون لجستیک: رگرسیون لجستیک زمانی به کار می رود که متغیر وابسته وجه دوتایی داشته باشد و متغیر یا

وسایل در حوزه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در حد قوی معنادار می باشد. داده های فوق حاکی از اختلاف ساختاری و ناهماهنگی بین اجزاء جامعه می باشد که در آن ساختار اجتماعی جامعه دچار پس افتادگی و عقب ماندگی نسبت به ساختار فرهنگی جامعه است.

**جدول شماره ۵- توزیع الگوهای تطابق بر حسب خرده نظام های اجتماعی**

| الگوهای تطابق | حوزه سیاسی | حوزه اقتصادی | حوزه فرهنگی | حوزه اجتماعی | حوزه های چهارگانه جامعه |
|---------------|------------|--------------|-------------|--------------|-------------------------|
| همنویانه      | ۱۰/۲       | ۱۵/۸         | ۱۹/۸        | ۱۲/۶         | ۱۵/۳۵                   |
| نوآورانه      | ۶۳         | ۳۵/۶         | ۴۹/۷        | ۶۶           | ۵۲/۲۵                   |
| مناسک گرایانه | ۹/۷        | ۳۲/۶         | ۱۱          | ۴/۳          | ۱۵/۱۵                   |
| واپس گرایانه  | ۱۷/۲       | ۱۶           | ۱۹/۵        | ۱۷/۱         | ۱۷/۲۵                   |

چنانچه در جدول فوق مشاهده می شود توزیع غالب الگوهای تطابق در حوزه های چهارگانه جامعه بر اساس شیوه تطابق به ترتیب زیر است: تطابق همنویانه در حوزه فرهنگی، تطابق نوآورانه در حوزه اجتماعی، تطابق مناسک گرایانه در حوزه اقتصادی و تطابق واپس گرایانه در حوزه فرهنگی غالب می باشد. وضعیت فوق حاکی از پس افتادگی و عقب بودن نظام های اجتماعی - فرهنگی (جهان زیست) نسبت به خرده نظام های اقتصادی - سیاسی (جهان ابزاری) می باشد.

متغیرهای مستقل متضمن دامنه‌های پیوسته و مقوله‌ای باشند. در اینجا متغیر وابسته، الگوی تطابق می‌باشد که به صورت دو شق کلی هم‌نوا و ناهم‌نوا تقسیم و در نظر گرفته شد. در جدول زیر رابطه رگرسیونی و معناداری متغیرها و معادله استخراجی با استفاده از تحلیل به نمایش درآمده است:

جدول شماره ۷- بررسی رابطه متغیرها با شیوه‌های تطابق و پیش‌بینی‌ها

| Sig  | df | (EXP (B | ضرایب<br>متغیرها |
|------|----|---------|------------------|
| ۰/۰۰ | ۱  | ۰/۳۴۹   | وضعیت سکونت      |
| ۰/۰۳ | ۱  | ۱/۰۷    | میزان اعتماد     |
| ۰/۰۰ | ۱  | ۰/۰۶۳   | Constant         |

$$۱/۰۷ + ۰/۳۴۹ + ۰/۰۶ = \text{معادله لگاریتمی}$$

از این محاسبه چنین بر می‌آید که وضعیت سکونت و میزان اعتماد به ترتیب ۰/۳۴۹ و ۱/۰۷، متغیر هم‌نواپی و ناهم‌نواپی را پیش‌بینی می‌کنند. به صورتی که در بین شهرنشینان الگوی تطابق ناهم‌نواپی و در بین روستانشینان هم‌نواپی کنش تطابقی غالب می‌باشد و نیز با افزایش در میزان اعتماد احتمال پیش‌بینی مبنی بر انجام و بروز کنش تطابقی هم‌نواپی بیشتر و افزایش می‌یابد. نکات فوق قابل تامل بوده و در قسمت‌های نظری نیز به آن اشاره شده به صورتی که چون با ورود عناصری مدرن

چون شهرنشینی و شکل‌گیری نظامات تخصصی به جوامع سنتی، سازگاری و تطابق افراد جامعه با چنین عناصر طول کشیده و زمان بیشتری می‌طلبد، لذا افراد در چنین جوامعی به مشکل برخورد خواهند کرد.

## ۸- فرجام

### ۸-۱- نتایج

#### ۸-۱-۱- نتایج توصیفی

در ارتباط با اختلاف نمره بین اهداف و وسایل می‌توان گفت که کفه سنگینی ترازو به نفع اهداف بوده است، و نمره آن از وسایل بیشتر بوده است. و اختلاف بین وسایل و اهداف در تمام حوزه‌ها معنادار بوده، که به دنبال آن می‌توان از نشانه‌های آسیب‌شناختی اجزاء ساختاری جامعه و گسست ساختاری تعبیر کرد.

توزیع الگوی غالب تطابق به لحاظ اولویت در حوزه‌های چهارگانه جامعه، با تطابق نوآورانه بوده است. یعنی الگوی تطابق نوآوری از دیگر انواع تطابق‌ها درصد بیشتری را به خود اختصاص داده و اولویت داشته است. به طوری که با داشتن ۵۲/۲۵ درصد از دیگر تطابق‌ها برتری داشته و با آنها اختلاف زیادی داشته است. به طور کلی به لحاظ توصیفی نتایج به دست آمده حکایت از



فوق لیسانس در شهر در نسبت با افراد با تحصیلات فوق لیسانس در روستا ناهمنواتر بوده و تمایل به انجام کنش‌های ناهمنوایانه نشان داده‌اند.

در نهایت با استفاده از مدل پیش‌بینی و رگرسیون لجستیک رابطه معناداری بین متغیرهای وضعیت سکونت و میزان اعتماد با الگوهای تطابقی همنوایی و ناهمنوایی منتج شد و بر اساس آن مشاهده شد که شهرنشینان بیشتر ناهمنوا می‌باشند. به عبارت دیگر بین افراد ساکن در شهر وضعیت آنومیک بیشتر مشاهده می‌شود و نیز افرادی که از اعتماد بالایی با اعضای خانواده، افراد جامعه و نهادهای رسمی موجود در جامعه برخوردار بوده‌اند، تمایل بیشتری به انتخاب کنش تطابقی همنوایی داشته‌اند. که براساس پیش‌بینی رگرسیونی می‌توان گفت که هرچه شاهد افزایش بیشتر میزان اعتماد در بین افراد جامعه باشیم، همنوایی پر رنگ‌تر و نوع غالب تطابق افراد جامعه خواهد شد. در نهایت اینکه باتوجه به نتایج تجربی در وضعیت کنونی، جامعه ایران به‌عنوان جامعه‌ای در حال گذار، دچار یک نوع شرایط آنومیک و نابسامان می‌باشد. به‌صورتی که در ابعاد چهارگانه تحلیلی جامعه، گریبانگیر یک

شرایط آنومیک در جامعه می‌کنند. به طوری که بین نمره اهداف، آرمان‌ها و مکانیسم‌ها، راه‌ها و وسایل نیل به اهداف ناهماهنگی می‌باشد و نمره اهداف از نمره وسایل دستیابی به هدف بیشتر و افزون‌تر است.

### ۸-۱-۲- نتایج تحلیلی

چنانچه در قسمت نتایج توصیفی اشاره شد، نمره اهداف و ارزش‌ها در تمام حوزه‌ها از نمره وسایل بیشتر می‌باشد. به‌صورتی که چنانچه جداول نشان می‌دهند، آزمون‌های آماری حاکی از معناداری تفاوت نمره میانگین در حد قوی می‌باشد. لذا در آغاز با استفاده از نمرات خام و اختلاف میانگین‌ها می‌توان استنباط نمود که بین اجزای ساختاری جامعه ناهماهنگی و تداخل کارکردی است و به دنبال آن جامعه در کلیت دچار وضعیتی آنومیک می‌باشد. و اما در قسمت جداول تحلیلی متغیر اصلی تحقیق، یعنی وضعیت سکونت را به ترتیب در ارتباط با جنسیت، میزان تحصیلات و قشر اجتماعی کنترل شده است. در آن جداول مشاهده شد که بین جنسیت، میزان تحصیلات و قشر اجتماعی با الگوی تطابق رابطه وجود ندارد. اما شاهد رابطه بین وضعیت سکونت و الگوها بودیم، به‌صورتی که افراد با سطح تحصیلات

نوع ناهماهنگی و عدم تعادل بین اهداف و وسایل ساختاری است. شکل‌گیری این وضعیت می‌تواند هم محصول تعارض میان کردارهای عمومی از یک سو و هنجارها و ایدئولوژی رسمی، پاره‌پارگی نظام ارزشی، تعارض در الگوی رفتاری، ضعف مشروعیت هنجارهای حاکم و کارایی قوانین موجود، تضعیف روابط در حوزه عمومی، گسترش بی‌تفاوتی و انفعال اخلاقی، فرهنگی، و سیاسی، احساس سرگشتگی، گسترش بی‌اعتمادی، هنجارگریزی باشد و ... و هم خود موجد و تقویت‌کننده شرایط بالا باشد که در سطح نظام اجتماعی جریان دارد. لذا باید الگوی نظم مطلوب جامعه مشخص و تعیین شود.

به مدد نتایج تجربی می‌توان گفت که وضعیت پیش‌آمده مؤید یک نوع ساختاری در حوزه جامعه ایران و الگوهای تطابقی افراد می‌باشد. به عبارتی دیگر در ارتباط با شرایط پیش‌آمده هم ساختارهای کلان دخالت دارند و هم ساختارهای ذهنی و نگرشی افراد، به صورتی که کردار و کنش آدمیان محصول شرایط چند گانه سطح کلان و خرد می‌باشد که نمی‌توان تنها به تقلیل‌گرایی کلاسیک جامعه‌شناختی اکتفا کرد، بلکه چنانچه در

قسمت چارچوب نظری گذشت، کنش آدمیان همچون الگوهای تطابق را باید منبعث از مجموعه عوامل دانست که با هم در یک ارتباط دیالکتیکی بوده و باید رویکردی تلفیقی اتخاذ کرد.

## ۸-۲- پیشنهادات

با عنایت به نتایج تحقیق می‌توان پیشنهادات زیر را ابراز داشت. توجه بیشتر و واقعی‌تر در ارتباط با هماهنگ کردن ارزش‌ها، اهداف، آرمان‌ها و امکانات، راه‌ها و وسایل نیل به اهداف موجود در جامعه، هماهنگی در کارکردها، ارتباط، محتوی و پیام رسانه‌های جمعی، ترویج ارزش‌های خاص متناظر با وسایل و هنجارهای حاکم و ظرفیت‌های داخلی و خارجی، ایجاد فرصت‌های باز تحرک اجتماعی، کمک به بهبود سطح اعتمادسازی و فراهم نمودن شرایط نهادی چون اشتغال، ازدواج و ... که در آن "چارچوب مطالبات" را برای جوانان بسازد. چرا که از طریق نهادهاست که اعمال به لحاظ فرهنگی به صورت استاندارد در می‌آید و کنش‌ها، راهنمایی، تنظیم و هدایت می‌شود. و همچنین با تعیین رفتاری که متناسب با این جایگاه‌هاست، به تنظیم کنش‌ها می‌پردازند.

- جامعه‌شناسی"، نامه علوم اجتماعی، ش پیاپی ۲۳، جلد ۱۱، ش ۳، شهریور.
۱۱. ----- (۱۳۸۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر سمت.
  ۱۲. ترنر، جاناتان (۱۳۸۴)، ساخت نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، نشر نوید.
  ۱۳. ----- (۱۳۷۱)، پیدایش نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، نشر نوید.
  ۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۶)، فرهنگ فارسی، تهران: چاپخانه مجلس.
  ۱۵. جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۷۷)، "جهت‌گیری ارزشی حاکم بر برنامه‌های اول و دوم توسعه"، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
  ۱۶. رضادوست، کریم (۱۳۷۳)، "بررسی عوامل مؤثر بر انطباق اجتماعی عشایر اسکان یافته در شهردزفول با شیوه زندگی شهری"، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
  ۱۷. ریتزر، جرج (۱۳۸۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
  ۱۸. زنجانی زاده، هما (۱۳۸۲)، "درآمدی بر اندیشه پییر بوردیو"، مجله علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۲ تابستان، مشهد.
  ۱۹. ساרוخانی، باقر (۱۳۷۰)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد اول.
  ۲۰. سرایی، حسن (۱۳۷۸)، مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، تهران: نشر سمت.
  ۲۱. سخاوت، جعفر (۱۳۸۱)، "بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان"، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، ش ۲، تابستان.

## منابع فارسی

۱. آخوندی، احمد (۱۳۷۶)، "بررسی رابطه حمایت اجتماعی با سازگاری اجتماعی"، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲)، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه رجب‌زاده و دیگران، تهران: نشر سفیر.
۳. احمدی، قاسم (۱۳۸۱)، "اعتماد مردم به حکومت‌ها در سه دوره تاریخی مغول، صفویه و قاجاریه"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. بلومر، هربرت (۱۳۸۱)، "جرج هربرت مید"، در کتاب آینده بزرگان جامعه‌شناسی، ویراسته تالکت پارسونز، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: نشر قومس.
۵. بیرو، آلن (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساרוخانی، تهران: نشر کیهان.
۶. بوردیو، پییر (۱۳۸۱)، نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نشر نقش و نگار.
۷. بوند، ریمون؛ بوریکو، فرانسا (۱۳۸۵)، فرهنگ انتقادی جامعه‌شناختی، ترجمه عبدالحسین نیگ گهر، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
۸. پارسونز، تالکت (۱۳۸۱)، "اصول عام تکاملی در جامعه" در کتاب جامعه سنتی و جامعه مدرن، ویراسته مالکوم واترز، ترجمه منصورانصاری، تهران، نشر نقش جهان.
۹. تاجداری، علیرضا (۱۳۷۷)، "بررسی میزان سازگاری هنجارها با اهداف ارزشی در بین سرپرستان خانواده‌های شهر اراک"، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۰. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳)، "تحلیلی از اندیشه پییر بوردیو درباره فضای منازعه آمیز و نقش

۲۲. عبداللهی، محمد (۱۳۸۰)، "طرح مسایل اجتماعی ایران، اهداف و ضرورت‌ها"، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، ش ۳، مجموعه مقالات همایش مسائل اجتماعی.
۲۳. ----- (۱۳۸۳)، "زنان ونهادهای مدنی"، مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، ش ۲، تابستان.
۲۴. ----- (۱۳۸۱)، "یادمان رابرت کینگ مرتن"، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، ش ۲، تابستان.
۲۵. فاریابی، محمد (۱۳۷۴)، "انحرافات اجتماعی، هنجارشکنی در میان دانش آموزان دبیرستانی شهر کرمان"، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۶. فخری، اکبر (۱۳۷۵)، "تاثیر شیوه‌های اجتماعی کردن بر اجتماعی شدن فرزندان"، پایان نامه کارشناسی ارشد امور فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۷. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۶۳)، دورکیم، ترجمه یوسف ابادری، تهران: نشر خوارزمی.
۲۹. ----- (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۳۰. ----- (۱۳۷۹)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۳۱. ----- (۱۳۸۴)، مسائل محوری در نظریه اجتماعی: کنش، ساختار و تناقض در تحلیل اجتماعی، ترجمه محمد رضایی، تهران: نشر سعاد.
۳۲. محسنی، منوچهر (۱۳۶۶)، جامعه شناسی عمومی، تهران: نشر طهوری.
۳۳. ----- (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران، تهران.
۳۴. مرتن، رابرت (۱۳۷۶)، مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه شناسی، ترجمه نوین تولایی، تهران: نشر امیرکبیر.
۳۵. ----- (۱۳۸۳)، "ساختار اجتماعی وبی هنجاری"، در کتاب نظریه‌های بنیادی جامعه شناسی، نوشته کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشرنی.
۳۶. ----- (۱۳۸۳)، مقدمات جامعه شناسی، تهران: نشر آگه.
۳۷. مقدس، علی اکبر (۱۳۸۳)، "نظریه ساختاری شدن آنتونی گیدنز و مبانی روش شناختی آن"، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره اول، ش ۴، زمستان.
۳۸. مید، جرج هربرت (۱۳۸۳)، "بازیگری، بازی و دیگری تعمیم یافته"، در کتاب نظریه‌های بنیادی جامعه شناسی، نوشته کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشرنی.
۳۹. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
۴۰. والی پور، ایرج (۱۳۵۸)، روانشناسی سازگاری، تهران: نشر وحید.
۴۱. هابرماس، یورگن (۱۳۸۲)، دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی، ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر افکار.
۴۲. ----- (۱۳۸۴)، نظریه کنش ارتباطی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر روزنامه ایران جلد اول.
۴۳. ----- (۱۳۸۴)، نظریه کنش ارتباطی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر روزنامه ایران جلد دوم.
۴۴. ----- (۱۳۸۵)، "تحریف نظام مند ارتباط" در کتاب جامعه شناسی انتقادی، ویراسته پل کانرتون، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: نشر نی.

## منابع لاتین

45. Merton, Robert. k (1964), *Social Theory and Social Structure*, Free Press of GlencoE. Cliere-Macmilian limited ,London Press.

46. Merton, Robert. k (1938), *Social Structure and Anomie*. Free Press of Glencoe. Clire-Macmilian limited, London Press.
47. Parsons. T (1964), *The Sociol System*. New York, NY: The Free Press Parsons. T (1964) General Principales Evolution in Society: American Sosological Structure, 209 (3) pp.339-57.
48. Giddens ,A (1984), *The Constitution of Society Berkley*: University of California Press.
49. Giddens. A (1979), *Central Problems in Social Theory: Action, Structure, and Constradiction in Social*: University of California press.
50. Giddens, A (1990), *Social Theory and Modern Sociology*, Cambridg UK. Polity Press.
51. Antoni, Robert j (1989), *Normative Foundation of Euancipatoyy Theory Versus Pragmatic Peespectives*: ajs 94 (4) 721-48.
52. Turner, Jonatan, h (1998), *the Structur of Sociological Theory* California: Wadsworth Publishing California: Wadsworth Publishing Compani.
53. Weber, Max (1964), *The Theory of Social and Economic Organization*.